

باسمه تعالی

- ۱..... دلیل دوم: مرفوعه زراره
- ۲..... اشکال اول: ضعف سندی
- ۲..... اشکال دوم: عدم اطلاق در «ما» موصوله
- ۲..... اشکال سوم: فرض تعارض در مرفوعه
- ۳..... دلیل سوم: ادله لفظی خبر واحد
- ۳..... اشکال اول: احتمال خطای بیشتر در امور حدسی
- ۳..... اشکال دوم: عدم حجیت شهرت فتوایی در سیره عقلاء
- ۴..... جمع بندی: عدم حجیت شهرت فتوایی
- ۴..... اماره پنجم: خبر واحد
- ۵..... مقدمه: خبر متواتر

موضوع: حجج و امارات / مبحث امارات / شهرت فتوایی / استدلال بر حجیت شهرت فتوایی / اماره پنجم: خبر

واحد / مقدمه: خبر متواتر

در جلسه قبل بحث از چهارمین اماره یعنی شهرت فتوایی شروع شد. بعد از تعریف شهرت و اقسام آن گفته شد مقتضای قاعد اولیه عدم حجیت شهرت فتوایی است. سپس یک دلیل تبعیدی برای اثبات حجیت شهرت فتوایی مورد بررسی و نقد قرار گرفت. در این جلسه ادله تبعیدی دیگر بررسی می شوند.

دلیل دوم: مرفوعه زراره

دلیل تبعیدی دوم برای اثبات حجیت شهرت فتوایی، استدلال به مرفوعه زراره است که در کتاب «عوالی اللالی» به صورت مرفوع از علامه نقل شده، که او نیز به صورت مرفوع از زراره نقل کرده است:

«عَوَالِي اللَّالِي، رَوَى الْعَلَمَةُ مَرْفُوعًا إِلَى زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ الْبَاقِرَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا تِي عَنْكُمْ الْخَبْرَانِ أَوْ الْحَدِيثَانِ الْمُتَعَارِضَانِ فَبَايَهُمَا أَخَذُ فَقَالَ يَا زُرَّارَةَ خُذْ بِمَا اشْتَهَرَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَ دَعِ الشَّاذَّ النَّادِرَ.....»؛

اصطلاح «خبر» در جایی است که مطلبی نقل شود، و اصطلاح «حدیث» در جایی به کار می‌رود که کلام امام یا معصوم نقل شود. بنابراین خبر اعم از حدیث است.^۱

وجه استدلال به این روایت این است که در فراز «خذ بما اشتهر» از «ما» موصوله استفاده شده که اطلاق داشته و شامل هر چیز مشهور از جمله روایت و فتوا می‌شود. بنابراین دستور داده شده که به مشهور اخذ شود، یعنی باید به شهرت فتوایی هم اخذ شود. پس مقتضای اطلاق آن، حجیت فتوای مشهور است.

اشکال اول: ضعف سندی

اولین اشکالی که در این استدلال مطرح شده، ضعف سندی و ارسال روایت است. سند این روایت از علامه تا زراره مشخص نیست. بنابراین استدلال به این روایت برای اثبات حجیت شهرت فتوایی، ناتمام است.

اشکال دوم: عدم اطلاق در «ما» موصوله

اشکال دوم اینکه دلالت این روایت بر حجیت شهرت فتوایی نیز ناتمام است؛ زیرا «ما» موصوله اطلاق ندارد تا شامل شهرت فتوایی شود. توضیح اینکه متفاهم عرفی از «ما» موصوله که در جواب سوال قرار می‌گیرد، خصوص مورد سوال بوده و «ما» جایگزین آن شیء مورد سوال می‌شود. به عنوان مثال اگر سوال شود «چه کتابی بخرم؟» و پاسخ داده شود «اشتر ما ینفعک»، عرف از «ما» موصوله اطلاق برداشت نمی‌کند. یعنی از این پاسخ برداشت نمی‌شود که «ماشینی هم که به نفع توست، خریداری کن»!

بنابراین هرچند «ما» موصوله از اسماء مبهم می‌باشد اما در این موارد و استعمالات، اطلاق ندارد. مراد از «ما» موصوله در روایت فوق، به تناسب سوال «روایت مشهور» است.

اشکال سوم: فرض تعارض در مرفوعه

مرفوعه زراره با فرض صحت سند آن، و فرض اطلاق در «ما» موصوله، باز هم دلالت بر حجیت شهرت فتوایی فی نفسه ندارد. توضیح اینکه فرض راوی در مرفوعه، تعارض دو روایت است. در پاسخ امام علیه السلام فرموده هنگام تعارض دو خبر،

۲. در تاریخ حدیث گفته شده مسلمین برای اولین بار به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله عنوان «حدیث» گفته‌اند، برای تکریم سخنان ایشان؛ زیرا حدیث به معنی چیزی است که همیشه تازه و نو بوده و کهنه نمی‌شود. هرچند این اصطلاح برای کلمات معصومین در بین شیعه متعارف نبوده، اما احیاناً به کار برده شده است. شیعه بیشتر به سخنان معصومین «روایت» گفته‌اند.

باید به روایت مشهور اخذ شود. با فرض اطلاق، فقط این مقدار استفاده می‌شود که در هنگام تعارض، باید به فتوای مشهور هم اخذ شود.

بنابراین فتوای مشهور دارای معارض نباشد، مرفوعه صحبتی در مورد آن ندارد. یعنی مرفوعه ناظر به مواردی نیست که مشهور فقهاء فتوایی داشته و سائر فقهاء ساکت باشند. به عبارت دیگر شهرت در این روایت مرجّحی در ظرف تعارض (فقط تعارض خبرین، و یا اعمّ از تعارض دو فتوا) می‌باشد که به وزن «اعلمیت» برای مجتهد است. اعلمیت از شرائط جواز تقلید نیست، بلکه موجب ترجیح فتوای اعلم در ظرف تعارض با فتوای غیراعلم است. در نتیجه مرفوعه بر حجّیت شهرت فتوایی دلالت ندارد، بلکه نهایتاً بر ترجیح فتوای مشهور در ظرف تعارض دلالت دارد.

دلیل سوم: ادله لفظی خبر واحد

سومین دلیل تعبّدی برای اثبات حجّیت شهرت، تمسّک به ادله حجّیت خبر واحد است. در مباحث آینده خواهد آمد که برای حجّیت خبر واحد به ادله‌ای تمسّک شده از کتاب و سنّت که یکی از ادله معروف «آیه نبأ» است. بر فرض دلالت آیه نبأ بر حجّیت خبر واحد (که در مباحث آینده بررسی خواهد شد)، از حجّیت خبر ثقه^۳ حجّیت فتوای مشهور نیز به دست می‌آید؛ زیرا ملاک حجّیت خبر واحد همان «کاشفیت» و «اصابه اکثر به واقع» می‌باشد. نفس همین ملاک (و یا بیش از مقداری که در خبر واحد وجود دارد) در شهرت فتوایی نیز وجود دارد. یعنی شهرت فتوایی نیز کاشفیت داشته و اصابه اکثر به واقع دارد. بنابراین شهرت فتوایی نیز حجّت می‌باشد.

اشکال اول: احتمال خطای بیشتر در امور حدسی

خبر واحد در امور حسّی حجّت است، در حالیکه فتوا از امور حدسی است. احتمال خطا در امور حدسی به مراتب بیش از امور حسّی است.^۴ بنابراین نمی‌توان از حجّیت خبر واحد، به حجّیت فتوای مشهور رسید؛ زیرا احتمال خطا در فتوای مشهور بیش از احتمال خطا در خبر واحد است.

اشکال دوم: عدم حجّیت شهرت فتوایی در سیره عقلاء

۳. آیه نبأ بنابر اینکه دارای مفهوم باشد، در نظر مشهور بر حجّیت «خبر عادل» دلالت داشته، و در نظر مختار بر حجّیت «خبر ثقه» دلالت دارد، که این بحث در مباحث حجّیت خبر واحد می‌آید.

۴. به عنوان مثال با بررسی امور عقلی معلوم می‌شود که در اکثر یا همه آنها اختلاف وجود دارد. اختلافات و اقوال مختلف در علوم عقلی، ناشی از کثرت خطا در آنهاست. در این موارد، غیر از یک قول لاقلاً تمام اقوال دیگر باید اشتباه باشند.

علاوه بر اشکال اول، دلیل حجیت خبر واحد نیز منحصر در سیره بوده، و سائر ادله لفظی هم امضاء سیره می‌باشند. با توجه به این نکته، تردیدی نیست که شهرت فتوایی در سیره عقلاء حجّت نمی‌باشد. به عنوان مثال نظر اکثر اطباء بر طبیب دیگر حجّت نبوده و قابل احتجاج نیست؛ و یا اگر شهرت فتوایی قابل احتجاج باشد، باید یکی از ادله در علم فلسفه و کلام نیز نظر مشهور فلاسفه یا متکلمین باشد!

جمع‌بندی: عدم حجیت شهرت فتوایی

با توجه به مباحث فوق، این نتیجه به دست می‌آید که شهرت فتوایی برای فقیه حجّت نیست؛ زیرا حجیت شهرت فتوایی نه مقتضای قاعده اولیه بوده و نه دلیل تعبدی بر حجیت آن دلالت دارد. نکته مهم این است که اگر مشهور مجتهدین در یک زمان فتوایی داشته و مجتهدی (هرچند اعلم از مشهور باشد) فتوای دیگری داشته باشد، وظیفه عامی چیست؟ در نظر مشهور باید به مجتهد اعلم رجوع نماید؛ اما در نظر مختار به تبع برخی، باید به فتوای مشهور رجوع نماید.

اماره پنجم: خبر واحد

به عنوان مقدمه باید «خبر واحد» تعریف شود. «خبر» تقسیم به «خبر علمی» و «خبر غیر علمی» شده است:

الف. خبر علمی: خبری است که نوعاً و در اغلب افراد، موجب علم می‌شود.

ب. خبر غیر علمی: خبری است که نوعاً و در اغلب افراد، موجب علم نیست.

بنابراین هر خبری علمی و یا غیر علمی بوده و قسم سومی در عرض آنها وجود ندارد. مراد از «علم» نیز اعم از قطع و اطمینان است. یکی از اقسام مشهور خبر علمی «خبر متواتر» است که در نظر اصولیون مفید قطع است.

در اصطلاح اصول به خبر غیر علمی «خبر واحد» گفته می‌شود. پس مراد از «خبر واحد» در علم اصول این نیست که مخبر آن یک نفر باشد؛ بلکه اگر هشت نفر یک خبر را نقل نمایند که به سبب خصوصیتی افاده علم نکند،^۵ خبر واحد محسوب می‌شود.

۵. البته باید دقت شود که معیار این نیست که نزد یک نفر افاده علم کند؛ بلکه باید نزد اکثر افراد افاده علم نماید.

مقدمه: خبر متواتر

شهید صدر در ابتدای بحث از خبر واحد، به عنوان مقدمه از خبر متواتر نیز بحث نموده، که این مباحث به تبع ایشان مطرح می‌شود تا از جمیع اقسام خبر بحث شده باشد. بیشتر مباحثی که مطرح می‌شود از ایشان بوده، که به همراه برخی اصلاحات است:

احتمال اصابه به واقع و مخالفت با واقع، در هر خبری وجود دارد. به عنوان مثال خبر «زید عادل» ممکن است مطابق واقع بوده و یا مخالف واقع باشد. مخالفت با واقع، به سبب یکی از این دو علت است: خطای مخبر؛ و کذب مخبر؛ خطای مخبر مانند اینکه شخصی دوست زید بوده و گناهی از او ندیده لذا علم به عدالت زید پیدا کرده و خبر داده، در حالیکه زید فاسق است. لازمه اینکه زید نزد کسی غیبت نکرده، این نیست که هیچ جا غیبت نکرده باشد؛ و کذب مخبر نیز مانند اینکه خبر از عدالت زید دهد در حالیکه علم به فسق او دارد.

در صورتی که یک خبر توسط دو نفر نقل شود نیز ممکن است مخالف واقع باشد. مخالف واقع در این فرض ناشی از خطای هر دو، و یا کذب هر دو، و یا کذب یکی و خطای دیگری خواهد بود. همین احتمال در مورد خبری که توسط سه نفر نقل شده نیز وجود دارد. احتمال خطا در افراد عدیده کمتر شده، و احتمال کذب «لمصلحة» نیز در افراد عدیده کمتر می‌شود. به عنوان مثال احتمال خطا در خبر «زید عادل» به مقدار «۵۰ درصد» بوده؛ و اگر نفر دیگری نیز این خبر را نقل نماید، احتمال خطای مجموع دو نفر «۲۵ درصد» خواهد شد. اگر نفر سومی نیز نقل نماید، احتمال خطای همه به «۱۲,۵ درصد» کاهش پیدا کرده، و در صورت نقل نفر چهارم به «۶,۲۵ درصد» کاهش می‌یابد.